

چرا «اوج»، «فارابی» و «حوزه هنری» برای ساخت فیلم کمدی سرمایه گذاری نمی کنند

کمدی در دام تاجران سینما



مهدی فخیم زاده، آدم برفی، داوود میرباقری، لیلی با من است، کمال تبریزی، مرد عوضی و مومیایی ۳، محمدرضا هنرمند، روز فرشته، بهروز افخمی و دنیای واژونه، شهریار بحرانی، کمدی های مطرح دهه ۷۰ بودند و چنان که دیده می شود، حتی سوزه ها و فضا سازی هایشان بسیار خاص و بدیع بود.

کمدی در دهه ۸۰: آغاز زوال

در دهه ۸۰ سبک کمدی های تلویزیونی وارد سینما شد. کلاه قرمزی و سوزنا و پر فروش ترین فیلم سال ۱۳۸۰ بود و نقی به نوستالژی نه چندان خاک خورده ای می زد که هفت سال پیش هم روی پرده ها آمده بود. از اینجا به بعد تلویزیون به شدت در سینما حلول کرد و سال بعد «توکو بدون توقف» با بازی مهرا ن مدیری که مشهور ترین چهره طنز های آیتمی بود، در صدر فهرست پر فروش های سال ایستاد. پیمان قاسم خانی که از فضای طنز های نودشی به سینما آمده بود، در سال های ۸۳ و ۸۴ فیلمنامه های «مارمولک» و «مکس» را نوشت که هر دو پر فروش های سال شدند و پس از آن «آتش بس»، «اخراجی ها»، «چرا چنگولی» و... همگی همین راه را ادامه دادند. در این سبک جدید از کمدی، پوشش هنرپیشه ها جزء اصلی ترین فاکتور ها برای جذب مخاطب به حساب می آمد، شکلک و حرکات درشت بازیگری هم در کانون اهمیت قرار گرفتند، موزیک های شاد و صحنه های رقص کم کم جایز کردند و متلک های بودار جنسی که مبتذل ترین ژست ساختار شکنی در سینمای ایران هستند، رفته رفته راه افتادند.

دهه ۹۰: ور شکستگی فیلم فارسی و پناه بردن به نوستالژی

سومین سری از نوستالژی بازی تلویزیونی متولیدین دهه های ۶۰ و ۷۰: نوستالست در ابتدای دهه ۹۰ گیشه را فتح کند و کلاه قرمزی و بچه نه به رغم ضعف های آشکارا، پر فروش ترین اثر سال ۹۱ شد. البته سال ۹۰ سال افول سینمای ایران و افتادن پرده نقره ای در کشاکش باندها و فرقه های مختلف بود؛ چنان که حتی خانه سینما هم تعطیل شد و تولید سینمای ایران بسیار پایین آمده بود. جذاییت شکلک و شلوارک و رقص جنسی یک دهه بیشتر دوام نیاورد و سینمای ایران به وادی بهره برداری از نوستالژی ها رسید. غیر از «رسوایی» که هم از نام بفروش کارگردانش ارتزاق می کرد و هم از نوستالژی «مارمولک» پوشیدن لباس روحانیت توسط یک هنرپیشه مشهور، در سال ۹۲ صدر جدول فروش را به دست آورد و سال بعد «شهر موش ها» پر فروش ترین شد که از یک نوستالژی خیلی قدیمی تر بهره می برد. «محمد رسول الله» و «فروشنده» در دو سال بعد، پر فروش ترین فیلم ها بودند؛ هر چند «فروشنده» پر مخاطب ترین اثر نبود و این جایگاه به «من سالوادور نیست» و محبوبیت پدیده ای به نام رضا عطاران تعلق داشت. «نهنگ عنبر ۲» و «هزارپا» که در سال های ۹۶ و ۹۷ پر فروش ترین آثار سینمای ایران شدند هم غیر از حضور رضا عطاران، تنها چیزی که داشتند نوستالژی بود. جالب اینجا است نوستالژی ها همه به دهه ۶۰ بر می گردند؛ به دهه سینمای آرمان گرا و از آن رویداد دفاع مقدس، دهه قصه های غریب شهری و اهمیت یک تکه کیک و یک دفتر مشق، دهه ای که موالی سینمای فیلم فارسی از آن متفرد بودند و همچنان بیان می کنند که هستند و دهه تنوع ژانر و این جرم بزرگ و بخشیده نشده که جمشید هاشم پور حق نداشت در همه فیلم ها کچل باشد.

سال جنگال بزرگ (سیاوش شاکری) و حاجی واشگشتن و جعفرخان از فرنگ برگشته (علی حاتمی) که آماده نمایش بودند، پروانه نمایش نگرفتند. در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۶۶، فیلم های وکیل اول (جمشید حیدری)، خارج از محدوده (رخشان بنی اعتماد) و در جشنواره هفتم (۱۳۶۷) و هشتم (۱۳۶۸)، فیلم های جعفرخان از فرنگ برگشته، زر دقناری (رخشان بنی اعتماد)، گراند سینما (حسن هدایت)، هی جو (منوچهر عسگری نسب)، روز باشکوه (کیانوش عیاری) و ای ایران (ناصر تقوایی) به نمایش درآمدند. در سال ۱۳۶۹، فیلم های سایه خیال (حسین دلیر) و آپارتمان شماره ۱۳ (یدالله صدقی) ساخته شدند.

سینمای کمدی در دهه ۷۰: ماه عسل سینمای ایران با ژانر های مختلف

روال کمدی سازی به همان کیفیت که در دهه ۶۰ آغاز شده بود، در دهه ۷۰ با فیلم هایی مثل «همسر» اثر مهدی فخیم زاده و «روز فرشته» بهروز افخمی ادامه پیدا کرد و به «مرد عوضی» و «مومیایی ۳» از محمدرضا هنرمند در اواخر دهه رسید. همزمان با این اتفاقات، در تلویزیون هم، کمدی روند جدیدی را تجربه می کرد. مجموعه های «پرواز ۵۷» و «پس از آن نوروز ۷۲» به کارگردانی داریوش کاردان، نسل جدیدی از کمدین های ایرانی را معرفی کرد که مهرا ن مدیری، رضا عطاران، سعید آقاخانی و مهرا ن غفوریان از جمله آنها بودند. این افراد بعد ها در ساخت ایتیم های طنز و پس از آن کمدی های سبت کام که به طنز های ۹۰ شبی مشهور شد، فعالیت کردند. دهه ۷۰ که در میانه فضای ملتطب دهه قبل و ولنگاری دهه بعد از خودش قرار داشت، به نوعی شکل تعدیل شده و معقولی از سینمای دهه ۶۰ بود. فیلم سازانی که با واژگون شدن کاسه مافیای فیلم فارسی، در دهه ۶۰ امکان ورود به عرصه فیلم سازی حرفه ای را پیدا کرده بودند، در دهه ۷۰ فیلم های پخته ترشان را ساختند. دهه ۷۰ را هم دهه عشق در سینما می نامند، هم دهه سینمای دفاع مقدس، هم دهه کمدی های اخلاقانه و تجربه های خاص و هم حتی دهه ای که سینمای جشنواره ای ایران بخش مهمی از روگرد هایش را با کمک دیپلمات ها در آن به دست آورد. اما دهه ۸۰ آغاز زوال بود. محمدرضا هنرمند در سال ۸۰ «عزیز من کوک نیست» را ساخت که به رغم فضای طنز آن و شباهتش به دو کار قبلی او، بسیار تلخ و سیاه بود. کمدی های خاص هنرمند که به طنز نئونالیستی و به خصوص آثار دینوریسی شباهت داشت و نمونه های خاص دیگری مثل «روز فرشته» و «دنیای واژونه» اثر شهریار بحرانی، دیگر ساخته نشدند و در دهه ۸۰ روند دیگری آغاز شد. «همسر»

که همین هم نیست و بررسی هانشان می دهند در یک جمع و تفریق کلی، دخل و خرج سینمای ایران با هم جور در نمی آید. کمدی های سخیف، مرتب قیمت مردان شلوارک پوش روی پرده ها را در تورمی افسار گسیخته بالا برده اند و کار به آنجا رسیده که دیگر کنار هم چیدن چند بازیگر زن و مرد چهره در یک فیلم، از مجموع هزینه تولید چند کمدی قابل توجه مثل «اجاره نشین ها» و «ای ایران» بالاتر است و سینمای ایران در چاه عمیق خویش بیش بینی همین به اصطلاح ستاره ها افتاده و تاریخ آن دوران ذلت زبیبی شناسی را سپری می کند.

سینمای کمدی در دهه ۶۰: جرقه های نو

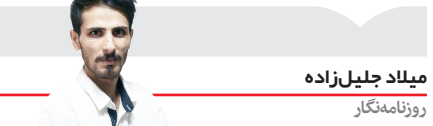
در فاصله سال های ۱۳۵۷ تا اوایل ۱۳۶۰ سینمای کمدی در ایران وجود نداشت، اما در سال ۱۳۶۰ فیلم کوتاه «خانه آقای حق دوست» اثر محمود سمیعی به شکل صامت برای تلویزیون تهیه شد که همان سال در جشنواره فیلم های کنی گابرو (بلغارستان) برنده جایزه بهترین فیلم شد و سال ۱۳۶۱ در سی و دومین جشنواره مانهایم (آلمان غربی) جایزه نقدی بهترین فیلم را دریافت کرد. اما این موفقیت ها جدی گرفته نشد. فیلم کمدی بعدی در سال بعد توسط علیرضا داوودنژاد به نام «جایزه» ساخته شده که البته آن هم بازتاب چندانی پیدا نکرد؛ ولی سال ۱۳۶۲ در دومین جشنواره فیلم، برنده لوح زرین بهترین فیلمنامه شد. در این دوران هنوز تردید هایی در زمینه ساخت فیلم های کمدی وجود داشت و کارگردانان و تهیه کنندگان نگران آن بودند تا چه میزان مجاز به وارد کردن عناصر شاد در فیلم ها هستند.

در این شرایط علی حاتمی به همراه محمد متوسلانی فیلم «جعفرخان از فرنگ برگشته» را ساخت و بعد در سال ۱۳۶۳، فیلم های «خانه آقای حق دوست» و «مردی که زیادی دانست» اثر یدالله صدقی، در جشنواره سوم فجر به نمایش درآمدند؛ و «مردی که زیادی دانست»، جایزه بهترین کارگردانی را به دست آورد. امروز از «مردی که زیاد می دانست» به عنوان اولین کمدی بعد از انقلاب اسم برده می شود. به این ترتیب، ممنوعیت ها کم رنگ تر شد؛ اما هنوز فیلم سازان قادر به انتخاب مایه های مورد علاقه شان نبودند. فیلم های توهم (سعید حاجی میری)، رنگ ها (محمدرضا هنرمند)، کشش های میرزا نوروز (محمد متوسلانی)، مردی که موش شد (احمد بخشی)، آنتوبوس (یدالله صدقی) و مدرک جرم (منوچهر حقانی پرست) و فیلم کوتاه برنده کیه (محمد حسن آفریده) در چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند.

در جشنواره پنجم (۱۳۶۵)، فیلم های اجاره نشین ها (داریوش مهرجویی) و مأموریت (حسن زندیاف) به نمایش درآمدند. در این

قهر کرده اند، کسانی هستند که علاقه بسیار زیادی به فیلم دیدن دارند، اما در سید سالانه محصولات سینمایی کشور، چیزی که باب طبع و سلیقه شان باشد را پیدا نکرده اند.

اگر کمدی های سطحی و سخیف مجدداً سینمای ایران را به خودشان وابسته کرده باشند، باید منتظر سقوط صنعت فیلم سازی در ایران بود و آمار سازی و حفظ ظاهر نخواهد توانست آن را نجات دهد. کسانی که این نوع فیلم ها را می سازند، جز سود مادی به چیز دیگری فکر نمی کنند و برایشان اهمیتی ندارد که ادامه این روند ممکن است کلیت صنعت سینمای ایران را نابود کند. کمدی های دهه ۶۰ که با «جایزه»، اثر علیرضا داوودنژاد و پس از آن «مردی که زیادی دانست» از مرحوم یدالله صدقی در جریان شان آغاز شد و به کارهایی از قبیل «اجاره نشین ها»ی داریوش مهرجویی و «ای ایران» ناصر تقوایی رسیدند، آثاری نیستند که تولید آنها از عهده فیلم سازان جریان مبتذل کمدی بر بیاید. این دست فیلم سازان ترجیح می دهند که سطح فیلم سازی کل کشور را پایین نگه دارند تا سقف استانداردها در دسترس شان باشد. برای برهم زدن قاعده این وضع، تنها راه ممکن این است که نهادهای بالادستی و سازمان هایی که «اولویت فرهنگی» در دستور کارشان قرار دارد، وارد میدان شوند. سال هاست که چنین نهادهایی فعالیت های شان را در ساخت آثاری خاص و با موضوعات ارزشی منحصر کرده و در پی تولید سرگرمی های سینمایی نرفته اند. این موضوع اولاً باعث شده که فیلم های ارزشی انگ سفارشی بودن بخورند و ثانیاً سرگرمی سازی در سینمای ایران یکسره به دست افرادی بیفتد که بخش قابل توجهی از آنها از استانداردهای لازم برای کار فرهنگی برخوردار نیستند. موسسات و سازمان ها و اداراتی مثل اوج، حوزه هنری، بنیاد سینمایی فارابی و... در چند سال اخیر تقریباً میدان کمدی را تماماً به دیگران واگذار کرده اند و در نتیجه سینمای ایران از «اجاره نشین ها»، «زر دقناری»، «گراند سینما» و «روز باشکوه» در دهه ۶۰، به «من سالوادور نیست»، «وای آمپول» و «دم سرخ ها» در دهه ۹۰ رسیده است. ورود این نوع نهادهای عرصه سرگرمی سازی سینمایی، حتی می توانست تنوع ژانر را هم برای سینمای ایران ایجاد کند و مخاطبان بیشتری را پای گیشه ها بکشاند. ژانر هایی مثل اکشن، معمایی، اسپرتر، وحشت و حتی ملودرام که به طور مشخص بخش های پولساز و تجاری سینما در همه جای دنیا هستند، امروز در سینمای ایران کاملاً مهجور مانده اند و فرمول چند صحنه رقص به اضافه شلوارک پوشیدن تعدادی هنرپیشه مرد و مقداری متلک های بودار چارواداری و بی ادبانه، نهایت استعدادی است که سینمای ایران برای تولید فیلم های بفروش به خرج می دهد و این را استقلال از بخش دولتی و ایستادن سینما روی پای خودش اسم می گذارد؛ در حالی



میلاد جلیل زاده

روزنامه نگار

جریان فیلم فارسی که قبل از انقلاب بخش قابل توجهی از سینمای ایران را در قبضه خودش گرفته بود، به عبارتی ذیل ژانر کمدی تعریف می شد؛ منتها یک نوع کمدی سخیف و مبتذل که هر چه زمان پیش رفت، مخاطب آن هم رو به کاستی گذاشت تا آنجا که در سال های آخر حکومت پهلوی، سینمای ایران تقریباً ورشکسته شده بود. این اتفاق فقط در ایران و در مورد فیلم فارسی نبود که رخ داد. در ایتالیا هم، دوره پس از جنگ جهانی دوم، همراه با موجی از کمدی های سخیف بود. این فیلم ها ابتدا فروش گیشه ای بسیار بالایی داشتند اما پس از مدتی چون صنعت فیلم سازی آن کشور را به خودشان وابسته کرده بودند، همراه با روی گرداندن مخاطب از این نوع فیلم ها، تقریباً می شود گفت کل صنعت سینمای ایتالیا هم زمین گیر شد و حتی نئورالیسم و دیگر سبک های درخشان فیلم سازی این کشور هم در گرداب افول فرو رفتند. در مصر هم همین اتفاق افتاد و پس از مدتی چیزی از سینمای این کشور باقی نماند. نمونه هایی که سینمای کمدی از نوع سخیف آن، ابتدا صنعت فیلم سازی یک کشور را به دلیل انفجار گیشه ها به خودش وابسته کرده و سپس با پشت کردن مخاطب به این نوع فیلم ها، کل سینمای یک کشور ورشکسته شده، در تاریخ سینمای جهان پر شمار هستند. کمدی های سخیف، مثل اخبار زرد در مطبوعات و هیجانات آتی و پیوپولیستی در مسائل علمی و سیاسی هستند. استقبال اولیه مردم از این نوع چیزها معمولاً بالا و انفجاری است؛ اما پس از مدتی تنها اولیه فروکش می کند و کنجکاوی ها برطرف می شوند. کشورهایی که تمام سینمای آنها روی این نوع فیلم ها سرمایه گذاری کرده است، بدون حتی یک استاندارد تاریخ ۱۲۰ ساله سینما، دچار فروپاشی صنعت فیلم سازی شان شده اند. سینماهای سرپا و موفق دنیا دارای تنوع ژانر هستند و به علاوه، بررسی تاریخ سینمای ایران در دهه ۶۰ هم نشان می دهد استقبال مخاطبان از کمدی های فرهیخته تر و با معناتر، به مراتب از آثار مبتذل و سخیف خیلی بیشتر بوده؛ اما از دهه ۸۰ به بعد، هر چه به سال های اخیر نزدیک تر شدیم، کیفیت کمدی های سینمای ایران افت کرد و این در حالی است که گفته می شود به جز کمدی، هیچ ژانر دیگری در سینمای ایران نمی فروشد. بنابر آماری که سازمان سینمایی وزارت ارشاد در اواخر سال ۱۳۹۷ منتشر کرد، در سال گذشته ۹۱ درصد مردم ایران حتی یک بار هم به سالن سینما نرفته اند. به طور قطع، بین بخش قابل توجهی از جامعه ایران که اصطلاحاً با سینمای کشورشان

بررسی گیشه های سینمای ایران در سال های دهه ۹۰ نشان می دهد بیشترین تعداد تماشاچی معمولاً به فیلم های کمدی اختصاص داشته است. فیلم های کمدی تا قبل از سال ۹۶، کمتر از ۲۵ درصد تولیدات سینمایی ایران را به خودشان اختصاص داده بودند، اما از ۱۳۹۷ به بعد این نسبت به ۳۵ درصد رسید و پیش بینی می شود که در سال ۱۳۹۸ بالاتر هم برود. در سال گذشته نزدیک به ۶۰ درصد از مخاطبان سینمای ایران به تماشای فیلم های کمدی نشستند و این نسبت در طول ۲۰ سال گذشته بی سابقه است.

کمدی های پر فروش امسال «هزارپا»، «مصادره»، «لونه زنبور» و «قانون مورفی» بودند که به جز «هزارپا» و «لونه زنبور»، باقی این فیلم ها به رغم فروش بالایی که داشتند، به مرحله سوددهی مالی نرسیدند.

سال نمایش	عنوان فیلم های پر فروش کمدی	تعداد تماشاچی فیلم های کمدی	میزان تماشاچی سال	درصد تماشاچی کمدی به کل	تعداد کل فیلم ها	تعداد فیلم های کمدی	درصد تعداد فیلم های کمدی به کل
۱۳۹۰	اخراجی ها ۳، ورود آقایان ممنوع، شیش و بش، زنان ونوسی مردان مریخی، اخلاق خوب کن	۶,۲۹۹,۱۳۵	۱۴,۵۱۷,۳۸۶	۴۳ درصد	۱۵۶	۳۹	۲۵ درصد
۱۳۹۱	کلاه قرمزی و بچه ننه، خوابم میاد، گشت ارشاد، نانچی پوش، تو و من،	۴,۲۸۶,۷۳۴	۱۰,۶۲۱,۸۴۳	۴۰ درصد	۱۳۵	۳۲	۲۴ درصد
۱۳۹۲	رسوایی، تهران ۱۵۰۰، جا به جا، معراجی ها، چه خوبه برگشتی	۲,۳۴۶,۰۱۳	۹,۶۲۶,۷۵۰	۲۴ درصد	۱۵۵	۲۳	۱۵ درصد
۱۳۹۳	شهر موش ها ۲، طبقه حساس، آتش بس ۲، معراجی ها، رد کاریت	۶,۳۹۸,۴۲۸	۱۲,۶۹۰,۲۴۴	۵۰ درصد	۱۵۵	۲۳	۱۵ درصد
۱۳۹۴	نهنگ عنبر، ایران برگر، در مدت معلوم، گینس، آتیش بازی	۴,۸۹۹,۵۴۵	۱۳,۳۷۳,۰۲۸	۳۷ درصد	۷۸	۱۷	۲۲ درصد
۱۳۹۵	من سالوادور نیست، سلام ببینی، پنجاه کیلو آببالو، بار کد، زاپاس	۱۳,۴۱۹,۳۹۱	۲۵,۸۴۷,۴۸۳	۵۲ درصد	۷۵	۱۹	۲۵ درصد
۱۳۹۶	نهنگ عنبر ۲، آینه بغل، اکسیدان، خوب بد جلف، ساعت پنج عصر	۱۱,۹۱۷,۱۹۴	۲۲,۸۵۶,۰۹۷	۵۲ درصد	۱۰۰	۲۰	۲۰ درصد
۱۳۹۷ تا بهمن ماه	هزارپا، مصادره، تگزاس، لونه زنبور، قانون مورفی	۱۵,۳۷۹,۵۴۶	۲۶,۱۷۲,۵۱۰	۵۹ درصد	۶۰	۲۱	۳۵ درصد

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند واقع در آزادراه تهران - ساوه، شهر جدید پرند، در نظر دارد انتشارات دانشجویی خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط (دارندگان جواز کسب از اتحادیه، اصناف مربوط یا شرکت های معتبر (با سابقه کار مفید و مستند) واگذار نماید.
- هزینه خرید و دریافت اسناد: ارائه اصل رسید مبلغ واریزی ۵۰۰,۰۰۰/۰ ریال به حساب ۰۱۵۳۸۴۶۴۲۰۰۵ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به همراه معرفی نامه از شرکت.
- مهلت خرید و تحویل اسناد: ده روز کاری به جزء پنجشنبه ها تا تاریخ انتشار آگهی در ساعت اداری (از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۵:۰۰)
- ارائه اانه فیش واریزی به مبلغ ۱۵۰,۰۰۰/۰ ریال به حساب فوق الذکر جهت تضمین شرکت در مزایده.
- متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت اطلاع از شرایط و خرید اسناد به دبیرخانه کمیسیون معاملات واحد پرند، مراجعه نمایند.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
- دانشگاه نسبت به رد و یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله اختیار تام خواهد داشت.

آگهی تجدید مزایده عمومی

دستگاه مزایده گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
موضوع مزایده: اجاره انتشارات دانشجویی دانشکده های واحد بهیمانکاران واجد شرایط مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و دریافت اسناد:
از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری (از ساعت ۹:۰۰ صبح لغایت ۱۶:۰۰)
زمان و محل دریافت اسناد: تهران - بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) - خروجی حکیمیه - خیابان شهید صدوقی - بلوار وفادار - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی طبقه پنجم معاونت توسعه مدیریت و منابع - تلفن ۷۷۳۱۷۷۴۸-۷۷۳۱۸۱۸۴
مهلت ارائه پاکات: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۹
محل تحویل پاکات مزایده: دانشگاه مدیریت- دفتر حراست واحد مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: ارائه معرفی نامه یا کارت شناسایی متقاضی و فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰ ریال جهت خرید اسناد مزایده به حساب شماره ۰۱۰۳۸۴۶۴۲۰۰۴ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (غیرقابل استرداد) دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.

سازمان توزیع روزنامه فرهنگستان |

@Department of Distribution

تلفکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۱-۱۲

برگ سبز و سند خودرو پژو سواری مدل ۹۶ به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور ۱۱۰۰۹۷۳ K ۱۲۴ و به شماره شاسی ۰۰۳۳۰۱ CE ۴ HH NAAN و به شماره پلاک ۱۴ - ۳۴۶ ۶۸ به نام راه اعلی امان اله پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سایت روزنامه

www.FARHEEKHTEGAN.ir